

مطالعه تطبیقی معنای خانه شهری دو دوره قاجاریه و پهلوی همدان به روش نشانه‌شناسی لایه‌ای*

محمدرضا افشاری بصیر***، منوچهر فروتن***، محمدمهدی سروش****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۵/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۶

چکیده

امروزه در معماری جایگاه معانی و انتقال مفاهیم در حد و اندازه، فرم و عملکرد حائز اهمیت بوده است. خانه در ساختارهای معماری به دنیای مفاهیم و معانی تعلق دارد و چنانچه افرادی که در آن زندگی می‌کنند، بتوانند معنای حاکم بر آن را ادراک نمایند، می‌توانند با آن محیط ارتباط بهتری برقرار نمایند. خانه‌های سنتی ایران که جایجای اجزای آن دارای معنا و مفهومی برای استفاده کنندگان می‌باشد، که باعث ارزش دار شدن آن، شده است. متأسفانه امروزه با ظهور مدرنیته به خانه، به‌عنوان وسیله‌ای با کارکرد موقت نگریسته می‌شود و این امر باعث گردیده خانه معنایی جدید به خود بگیرد. در این پژوهش از میان رویکردهای مختلفی که به بررسی معنای خانه پرداخته اند، رویکرد علوم اجتماعی که بیشتر به جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی خانه توجه دارد انتخاب شده است. در این رویکرد یکی از روش‌هایی که از آن در جهت بررسی خانه می‌توان بهره گرفت روش نشانه‌شناسی می‌باشد. پژوهش حاضر تلاشی است در راستای ارتباط نشانه‌شناسی و معماری، که به دنبال تبیین و خوانش عناصر معماری خانه براساس نظریات نشانه‌شناسی است. نشانه‌شناسی به‌عنوان یکی از روش‌های واکاوی متن، به دنبال واکاوی متون در حکم کلیت‌های ساختارمند و در جستجوی معانی پنهان و ضمنی است. این پژوهش بر مبنای سامانه شناخت نشانه‌شناسی تفسیرگراست و به لحاظ نتایج نیز از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد. هدف این پژوهش بررسی مولفه‌های اثرگذار در ایجاد معنا در خانه سنتی شهری و تدوین مدل مفهومی برای خوانش مناسب متن خانه با روش نشانه‌شناسی لایه‌ای می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که خانه متنی است که از مجموعه لایه‌های متعدد معنایی و نظام‌های درگیر در بنا که پشتیبانی کننده یکدیگر و اثرگذار برهم هستند، و یک کلیت نظام مند به نام خانه را به وجود می‌آورند.

واژگان کلیدی

معنا، نشانه‌شناسی، خانه‌های سنتی، معماری ایران، شهر همدان

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «معنای خانه شهری ایرانی (منطقه زاگرس): تحلیل نشانه‌شناختی تحول معنا از خانه سنتی تا خانه معاصر» به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان است.

** گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

*** استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (نویسنده مسئول)

**** استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

m_afsharbasir@yahoo.com

manoucheher.foroutan@gmail.com

soroush@iauh.ac.ir

مقدمه

در دهه‌های اخیر مفاهیم و اندیشه‌های علوم انسانی ارتباط تنگاتنگی با هنر و معماری پیدا کرده‌اند؛ به طوری که این ارتباط منجر به تولید فرم‌ها، فضاها و خوانش‌های جدیدی از معماری شده است. این ارتباط هم به صورت فصل مشترک بین معماری و علوم انسانی و هم بعنوان رویکرد و دیدگاهی جدید در ادبیات پژوهشی معماری رخ می‌نماید. از طرفی با اهمیت پیدا کردن زبان در نظریه‌های پسامدرن، معماری به عنوان یک متن دیده شده است. متنی که، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، اندیشه‌ها و سنت‌ها را به همراه خود منتقل می‌نماید و واجد زبانی در پس پرده خویش بوده که با مخاطب به گفتگو می‌نشیند و مخاطب سعی در خوانش معنا و تاویل آن را دارد. در دهه هفتاد میلادی مطالعات زبان‌شناسیک در حوزه هنر جای خود را پیدا کرده است و بدنبال آن نشانه‌شناسی به عنوان شاخه‌ای از زبان‌شناسی، در نقد و خوانش متن هنری مورد استفاده قرار گرفت. نشانه‌شناسی به عنوان یکی از روش‌های واکاوی متن، به دنبال واکاوی متون در حکم کلیت‌های ساختارمند و در جست وجوی معانی پنهان و ضمنی است. مطالعات نشانه‌شناختی بر نظام قواعدی که بر گفتمان‌های درگیر در متون حاکم هستند، تمرکز دارد و به نقش بافت نشانه‌شناختی در شکل‌دهی معنا تأکید می‌کند (چندلر، ۱۳۸۶).

نشانه‌شناسی در حوزه معماری، دست‌یابی و شناخت معانی فراتر از دلالت کارکردی معماری است و عملاً به منش ارتباطی معماری که ریشه در روابط اجتماعی- فرهنگی داشته، توجه می‌شود. مبانی دانش نشانه‌شناسی که بر پایه دلالت و تفسیر استوار است، می‌تواند بستری برای درک رابطه چگونگی ادراک مؤلفه‌های معنایی و ساختاری فضای معماری باشد. از آنجا که نشانه‌شناسی با مبانی رمزگشایی معانی پیوند دارد، بنابراین نقش تفسیرگر در چگونگی ادراک این مفاهیم حائز اهمیت است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش می‌باشد که چگونه می‌توان به روش نشانه‌شناسی به بررسی معنای خانه‌های سنتی ایرانی شهر همدان پرداخت و تحولات معنایی خانه شهری از دوره قاجاریه تا پهلوی در این خانه‌ها به چه صورت بوده است؟ در پژوهش حاضر و در گام اول، به توصیف معنای مکان که معنای معماری نیز از آن گرفته می‌شود و مولفه‌های شکل‌دهنده به آن در معماری پرداخته و در گام بعدی، به تبیین نشانه‌هایی پرداخته شده است که اثرگذاری مولفه‌های شکل‌دهنده به معنای مکان از طریق مفاهیم نشانه‌شناختی را نشان می‌دهد. هدف این پژوهش در راستای ارتباط نشانه‌شناسی و معماری می‌باشد. پژوهش حاضر به دنبال تبیین و خوانش عناصر معماری خانه براساس نظریات نشانه‌شناسی است. بر پایه واکاوی نشانه‌شناسی که هر اثر معماری از جمله بناهای معماری به مثابه یک متن است، به جستجوی لایه‌های متفاوت تولید متن پرداخته تا مشخص گردد که چگونه لایه‌های متن در سطوح مختلف رمزگانی به صورت هم زمانی و در زمانی با یکدیگر ارتباط داشته و می‌توانند یکدیگر را تقویت یا تضعیف نمایند.

روش تحقیق

این پژوهش از گونه پژوهش‌های کیفی است که بر مبنای سامانه شناخت‌شناسی تفسیرگراست که به لحاظ روش از نوع پژوهش تفسیری- تاریخی می‌باشد که مقطعی از تاریخی را مورد تعبیر و تفسیر و ارزیابی قرار می‌دهد. در مرحله جمع‌آوری اطلاعات از روش توصیفی و در مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش استدلال منطقی بهره گرفته است. این تحقیق با توجه به مسئله تحقیق و هدف این پژوهش، روش به کاررفته در این پژوهش نشانه‌شناسی است. بنابراین، شاخصها را شناسایی و ابعاد مختلف لایه‌های معنایی خانه ایرانی را از نظر دلالتی و معنا بررسی می‌شود. روش نشانه‌شناسی به کار رفته در این پژوهش در قالب روشی تحلیلی است که با اولویت قرار دادن زمینه و محوریت قائل شدن به خوانش پیش‌فرض‌های ذهنی مخاطبان در مواجهه با اثر، آشکارسازی و تأمل در حوزه معنا را امکان‌پذیر می‌سازد. این پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای پیرامون مبانی نظری موجود، به اصول و چهارچوب مورد نظر دست می‌یابد، همچنین با بررسی خانه‌های شهری سنتی شهر همدان به صورت میدانی داده‌های اصلی به دست خواهد آمد.

جدول ۱- روش پژوهش براساس مدل ساندرز

لایه پژوهش	فلسفه پژوهش	جهت گیری پژوهش	رویکرد پژوهش	روش‌شناسی پژوهش	روش گردآوری داده	راهبرد پژوهش	اهداف پژوهش	ابزار گردآوری داده
نوع پژوهش	تفسیرگرا	نظری	تطبیقی	کیفی	میدانی و کتابخانه	تحلیل محتوا- کیفی	توصیفی- تحلیلی	مشاهده- اسناد

پیشینه تحقیق

آنچه در زمینه ادبیات و سوابق مربوط به موضوع پژوهش می‌توان بیان کرد این است که پژوهش‌های صورت گرفته را در دو قالب، پژوهش‌هایی که در مورد معنای خانه ایرانی انجام گرفته و همچنین پژوهش‌هایی که در مورد نشانه‌شناسی معماری صورت گرفته دسته بندی نمود. که در ذیل پژوهش‌هایی که موضوعات آنها، زیر مجموعه پژوهش مزبور می‌باشد، مورد اشاره قرار گرفته اند.

پژوهش‌هایی با موضوعات معنای خانه ایرانی: با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در این زمینه، پژوهش‌های موجود براساس نوع روش و رویکردی که دنبال می‌کنند را می‌توان در چند دسته تقسیم بندی کرد که عبارتند از روش حکمی- روش پدیدارشناسی- روش جامعه‌شناسی، انسان شناسی و علوم اجتماعی (پژوهش‌های صورت گرفته با روش روانشناسی محیط نیز در این دسته قرار می‌گیرند)- گونه‌شناسی- تاریخی و اقلیمی.

جدول ۲- پژوهش‌های صورت گرفته در مورد معنای خانه

رویکرد	دیدگاه	نمونه پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه
سنتی- حکمی	خانه محل اجماع ارتباط انسان با خدا- خود- طبیعت و دیگران تبیین و آشکارسازی ارزش‌های معنوی و ازلی خانه	در آیات قرآن (سوره بقره، آیه ۱۲۷) به ویژگی‌های مسکن پرداخته شده است و همچنین از این دیدگاه پژوهش‌هایی توسط نقی زاده (۱۳۷۹)، حجت (۱۳۸۷)، ندیمی (۱۳۸۷) و صحاف (۱۳۹۰) به بررسی مسکن و خانه ایرانی پرداخته اند.
پدیدارشناسی	چیستی خانه هستی‌شناسی سکونت	از این دیدگاه پژوهش‌هایی توسط هایدگر (۱۳۸۱)، نوربرگ شولتز (۱۳۸۸)، پالاسما (۱۳۸۹) به بررسی سکونت و خانه پرداخته شده است.
علوم اجتماعی	خانه نشأت گرفته از عوامل اجتماعی، فرهنگی نهادی با عملکرد چندبعدی متأثر از اجتماع، فرهنگ، آیین‌های مذهبی، اقتصاد و اوضاع محیطی	از این دیدگاه پژوهش‌هایی توسط کوپر مارکوس (۱۳۸۲)، راپاپورت (۱۳۸۸)، گیفورد (۱۹۹۸) به بررسی خانه پرداخته شده است. و در ایران نیز حائری مازندرانی (۱۳۸۸)، فکوهی (۱۳۸۲)، قلیچ خانی (۱۳۹۱) به بررسی مسکن و خانه ایرانی پرداخته اند.
گونه‌شناسی- اقلیمی	ساختار و حجم توده نگاه اقلیمی و زیست محیطی به خانه	از این دیدگاه پژوهش‌هایی توسط پوپ (۱۳۶۶)، پیرنیا (۱۳۸۹)، معماریان (۱۳۸۷) صورت گرفته است.

در قالب نشانه‌شناسی معماری نیز پژوهش‌هایی که صورت گرفته‌اند با توجه به مطالب مطرح شده در قالب دو دسته تقسیم بندی شده است که یک دسته مربوط به مباحث نشانه‌شناسی می‌باشد و دسته دیگر مختص نشانه‌شناسی معماری می‌باشد.

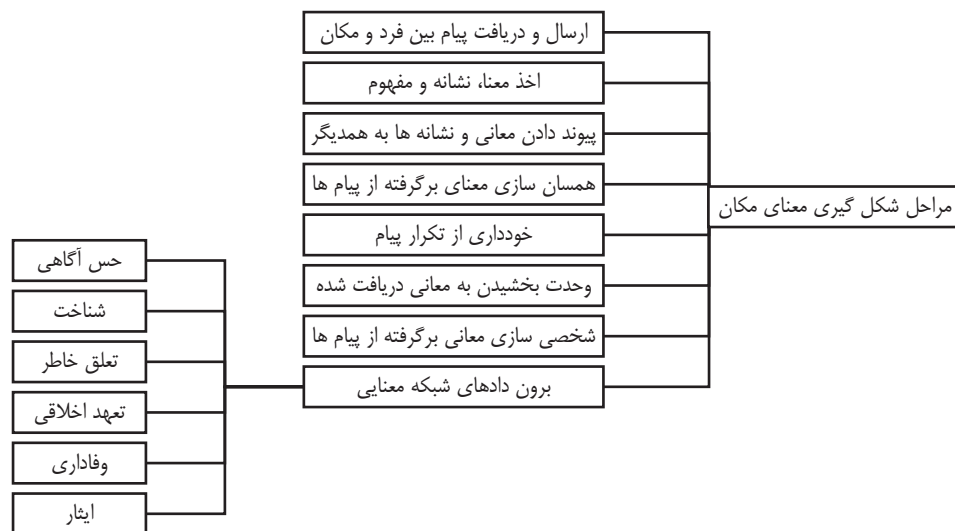
جدول ۳- پژوهش‌های صورت گرفته در مورد نشانه‌شناسی معماری

مباحث	نمونه پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه
نشانه‌شناسی	افلاطون (۴۲۸-۳۸۴ ق.م) در کتاب کراتیلوس به بررسی منشاء زبان و آگوستین (۴۳۰-۳۵۴ ق.م) در باب نشانه‌ها در غرب به کندوکاو پرداخته‌اند. جان لاک (۱۹۷۵) در «جستاری در باب فهم بشری» برای اولین بار از واژه «سمیوتیکه» اشاره می‌کند. فوریتو (۱۳۸۸) در کتاب نظریه در تئاتر، نرسیسیان (۱۳۸۵) در کتاب انسان، نشانه و فرهنگ، دانیل چندلر (۱۳۸۶) در کتاب مبانی نشانه‌شناسی، پیرو (۱۳۸۷) در کتاب نشانه‌شناسی، آنه ماری دینه سن (۱۳۸۹) در کتاب درآمدی بر نشانه‌شناسی به بحث نشانه‌شناسی می‌پردازد. در ایران نیز در زمینه نشانه‌شناسی پژوهش‌هایی توسط فرهاد ساسانی (۱۳۸۹) در کتاب معناکوی: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی و فرزنان سجودی (۱۳۹۳) در کتاب نشانه‌شناسی کاربردی پرداخته شده است.
نشانه‌شناسی معماری	اکو (۱۹۷۹) در کتاب «نشانه‌شناسی» به موضوع نشانه‌شناسی معماری پرداخته است. در ایران در زمینه نشانه‌شناسی معماری پژوهش‌هایی توسط فرزنان سجودی (۱۳۸۸) در کتاب نظریه و عمل، امیرعلی نجومیان (۱۳۸۷) در تحلیل نشانه‌شناختی از خانه‌های تاریخی کاشان، دباغ و مختاباد امرائی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان چارچوب نوین برای خوانش مساجد تهران معاصر، علیرضا غفاری (۱۳۹۶) در تحلیل نشانه‌شناختی بافت تاریخی کرمان، سرمستانی، فروتن و طهوری (۱۳۹۷) در مقاله آفرینش شاعرانه در فضای شهری، امیرسرداری، فروتن، معظمی و محمدی (۱۳۹۸) در پژوهشی دیگر با عنوان برج مسکونی در قاب سینما: واکاوی نشانه‌شناختی ساختمان‌های بلند مسکونی در سینمای بعد از انقلاب اسلامی ایران، پناهی و رحیمی (۱۳۹۸) در مقاله بررسی نحوه آفرینش فضای معماری به تبیین مدلی در زمینه نشانه‌شناختی و خوانش متن معماری پرداخته شده است.

مبانی نظری تحقیق

بررسی معنای معماری خانه

معنا را همراه با فرم و عملکرد، یکی از سه مولفه سازنده هر پدیده‌ای می‌داند و تسریع می‌کند که معنا، ارزش، مفهوم و پیام (چه عقلی و چه احساسی) یک پدیده است (پاکزاد، ۱۳۸۵). مکان نه تنها از طریق بستر فیزیکی آن، بلکه به وسیله طیفی از فرآیندهای اجتماعی- روانی و شناختی که از این طریق در آن روی می‌دهد، نه تنها در درون مواضع فیزیکی تجسم می‌یابد؛ بلکه سرشار از معانی نمادین، به همراه دل‌بستگی‌های عاطفی و احساسی است که افراد در مورد یک موضع خاص در ذهن دارند. معنای مکان برآیندی از عوامل متفاوت در تعامل انسان و مکان است که از طریق پیام‌های عناصر مختلف موجود در مکان نمود پیدا می‌کند (شولتز، ۱۳۸۷).



نمودار ۱- مراحل شکل‌گیری معنای مکان

خانه و معماری خانه، این فراگیرترین و درعین حال اختصاصی‌ترین فضای زندگی انسان‌ها، همیشه، چه در ایده و بیان کلامی و چه در عرصه خلق و ساخت برای معماران قابل توجه بوده است. وقتی کلمه "خانه" به گوش می‌رسد، آنچه در ذهن جای می‌گیرد بدیهی و بی‌نیاز از تفسیر به نظر می‌رسد؛ ولی هرچند از نظرگاه‌های متعدد تعاریف گوناگونی درباره خانه، یعنی خصوصی‌ترین فضای زیست انسان، عرضه شده است، هنوز این پدیده جای بحث بسیار دارد. تعاریف و تفاسیر مفهوم خانه، در ظاهر، در همه دنیا کم و بیش به یک صورت است؛ اما واقعیت آن است که اولاً نگاه جوامع و فرهنگ‌های مختلف به پدیده‌ای به نام خانه متفاوت است و ثانیاً مفهوم خانه نیز در طی تاریخ بسیار متحول شده است. خانه به مثابه یک کالبد معماری حاوی ایده‌ها و ارزش‌هاست آنچه در لحظه آفرینش در آن گنجانده شده باشد از سطوح و دیوارهای آن تشعشع کرده و به کسانی که در آن قرار می‌گیرند انتقال می‌یابند، این پیام‌ها مستمر در ضمیر ناخودآگاه وضعیتی خطیر ایجاد می‌کنند در فضای رفتارها، بازتاب‌ها الگوی‌های زندگی شکل می‌گیرد و به مثابه برداری موثر بر زندگی اجتماعی عمل می‌کند. نگاه معنایی به خانه به عنوان یک مکان، سطح بالاتری از معناپذیری مکان است که به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در فضای شکل گرفته معماری، نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد.

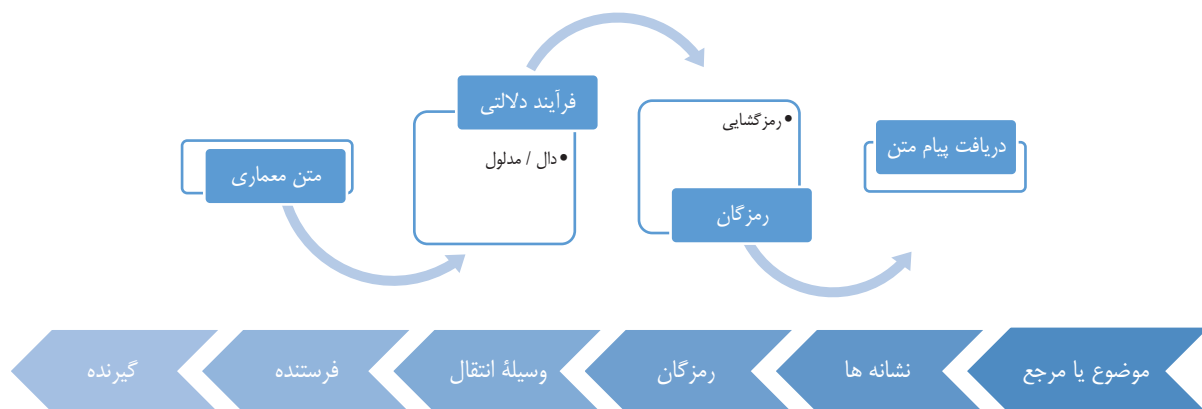
در میان رویکردهای مختلف بررسی معنای خانه، این پژوهش توجه به نگاه علوم اجتماعی دارد. یکی از روش‌هایی که از دیدگاه علوم اجتماعی به بررسی معنا می‌پردازد روش نشانه‌شناسی می‌باشد. مبانی دانش نشانه‌شناسی که بر پایه دلالت و تفسیر استوار است، می‌تواند بستری برای درک رابطه چگونگی ادراک مؤلفه‌های معنایی و ساختاری فضای معماری باشد. از آنجا که نشانه‌شناسی با مبانی رمزگشایی معنایی پیوند دارد، بنابراین نقش تفسیرگر در چگونگی ادراک این مفاهیم حائز اهمیت است. منظور از نشانه‌شناسی معماری دستیابی و شناخت معانی فراتر از دلالت کارکردی معماری است و عملاً به منش ارتباطی معماری که ریشه در روابط اجتماعی- فرهنگی داشته، توجه می‌شود.

نشانه‌شناسی لایه‌ای و لایه‌های معنایی در معماری

امروزه تئوری‌های متعددی در زمینه شکل‌گیری محصول و خوانش معماری وجود دارند. در دهه هفتاد میلادی مطالعات زبان‌شناسیک در حوزه هنر جای خود را پیدا کرده و در پی آن نشانه‌شناسی به عنوان شاخه‌ای از زبان‌شناسی، در نقد و خوانش متن هنری مورد استفاده قرار گرفت. در دهه هشتاد و نود میلادی چند تز دکتری و کتاب، مبتنی بر نشانه‌شناسی معماری نگاشته شد. این تألیفات بیشتر به مرور ادبیات نشانه‌شناسی می‌پردازند و در نهایت سعی بر ایجاد ارتباط بین این مضامین و مبانی نظری معماری دارند و به طور مشخص، روشی را برای خوانش معماری و مبتنی بر اندیشه‌های نشانه‌شناسی ارائه نمی‌دهند. نشانه‌شناسی دانشی است که آثار و نشانه‌ها را چون بخشی از زندگی اجتماعی مورد پژوهش قرار می‌دهد و مطالعه منظم و سامان‌مند همه مجموعه عوامل موثر در ظهور و تأویل نشانه‌ها را نشانه‌شناسی می‌نامند. آنچه لازم به ذکر است این که نشانه‌ها به تنهایی معنادار نیستند و فقط وقتی که در ارتباط با یکدیگرند، تفسیرپذیر می‌باشند.

در تقسیم‌بندی انواع نشانه‌شناسی که عبارتند از پوزیتیویستی، ساختار گرایانه، پسا ساختار گرایانه و پیدایشی (لایه‌ای) روش این پژوهش با توجه به موضوع از نوع نشانه‌شناسی لایه‌ای می‌باشد. در نشانه‌شناسی لایه‌ای، مفهوم نشانه به دنبال مفهوم متن می‌آید. در واقع امر، متن طرح حاصل هم نشینی بین رمزگان‌ها نیست، بلکه حاصل هم‌نشینی بین لایه‌ها است. لایه‌هایی که هر کدام براساس انتخاب از آن رمزگان در کنشی ارتباطی، امکان محقق شدن پیدا می‌کنند (سجودی، ۱۳۸۸). در حوزه معماری به عنوان وجهی از هنر که توانایی حضور در چهار بعد از ابعاد انسانی را داراست و کالبدی است برآمده از ذهن انسان برای ایجاد بستری برای زندگی او، همواره نماد، نشانه و رمز جایگاه و کاربردی والا و دیرین داشته است. چرا که هنرمند معمار نماد را به عنوان زبانی استعاری برای برقراری ارتباطی در سطوح مختلف و بسته به آگاهی و ژرف اندیشی مخاطب خود گزیده است که می‌تواند زبان گویای معمار و خالق بنا در هنگام غیبت او و برای آیندگان باشد. رولان بارت در دهه هفتاد معتقد بود، اولین کسی که معماری را مانند یک متن و یک دست نوشته به عنوان کنده‌کاری انسان در فضا مطرح می‌کند ویکتور هوگو است. او در کتاب تتردام پاریس، فصلی را به این مضمون اختصاص می‌دهد البته این نگرش نسبت به پدیده‌ها در آثار ژاک دریدا و خود رولان بارت متداول است و همین نگرش را کوین لینچ در خوانش شهر به کار می‌برد و با نگرش متن‌گونه و به دنبال کشف تصویر شهر در ذهن مخاطبان آن است. از نظر لینچ، مسیر، لبه، ناحیه، گره، علائم راهنما، نشانه‌هایی هستند که به معناسازی و ایجاد تصویر ذهنی مخاطب کمک می‌کنند. به طور کلی شهر دارای زبانی است که با ساکنانش در حال گفت‌وگو است. تخصیص واژه زبان به شهر، به صورت استعاری این لفظ یعنی زبان شهر (مانند زبان سینما) نیست. بلکه شهر مانند یک متن از واحدهای کوچکی به نام نشانه تشکیل شده است که به صورت نحوی با یکدیگر در ارتباط بوده و متنی را مبتنی بر همین نشانه‌ها شکل می‌دهد. کریستوفر الکساندر در رویکردی ساختارگرانه «زبان الگو» را در نظام معماری مطرح می‌نماید. به اعتقاد او هر بنا از مجموعه‌ای از عناصر، نمادها و قواعد حاکم بر ترکیب نمادها شکل گرفته است. معماری از مجموعه شبکه‌ای (شبکه‌مند) از الگوها شکل می‌گیرد و الگوها محصول رابطه‌ای نسبی میان عناصر هستند. هر الگو در مرکز شبکه ارتباطی قرار می‌گیرد و آن را به الگوهای کوچک‌تر و یا بزرگ‌تر پیوند می‌دهد معماری به دنبال سامان دهی محیط و فضا است و از طریق یک ساختار نظام‌مند عناصر ذیل فضای معماری (مکان، زمان و روابط بین‌انسانی) را نظم می‌دهد و محیط به صورت روابط بین مکان‌های معماری، رابطه انسان با مکان و رابطه بین‌انسانی تعریف می‌شود. این روابط واجد الگو و ساختار هستند. بنای معماری مشابه یک متن قابل خوانش است و خواندن متن در واقع تأویل نشانه‌های آن توسط یک کاربر فضای معماری می‌باشد. بنابراین معماری هم نوعی زبان است؛ نظامی است از واژه‌های وابسته به هم. اثر معماری شبیه به متن نگارشی و خوانشی است از کلمه‌ها، احجام، بافت‌ها و اجزای تشکیل دهنده بنا که دارای وابستگی معنایی به هم می‌باشند. هر اثر معماری با رمزگان‌های زیباشناختی به همراه رمزگان‌های اجتماعی پیام خود را انتقال می‌دهند.

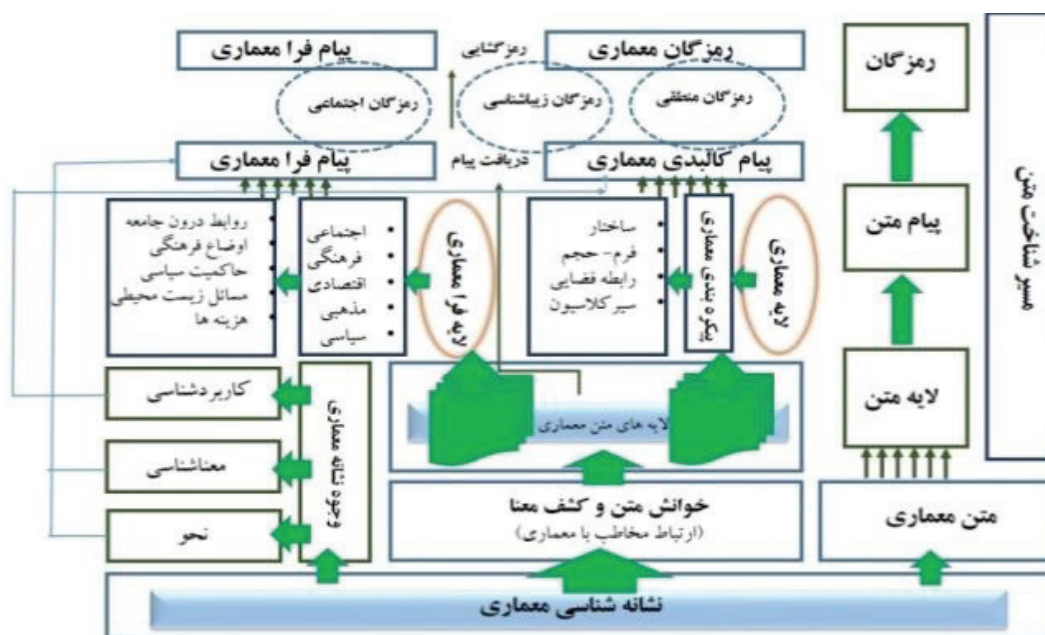
هر متن یک نظام و شبکه دلالتی را به روی مخاطب می‌گشاید. هر کدام از اجزای این شبکه وسیع به عضوی دیگر اشاره دارند. هر جزء، یک نشانه است که مخاطب را به بازخوانی و بازتولید متن دعوت می‌کند. از این روی هر طرح معماری شبکه‌ای از نشانه‌هاست که به طور مجرد واجد معنای خاصی نیستند و فقط در بافتار شبکه‌گون متن دلالت‌گری خود را نشان می‌دهد. طرح معماری از شناخت، تفسیر، تأویل و معناسازی منتج می‌شود که شامل مراحل شناختن رمز عناصر (شبکه متن) و شناختن روابط عناصر (درون متن) و تأویل معنای متن می‌باشد. خوانش نشانه‌شناسانه متن (طرح) با ایجاد هاله‌ای از اندیشه‌های جامعه‌شناسانه در مصدر متن انجام می‌گیرد و در آن زندگی در متن (طرح) مهم است؛ زندگی مولف (نگرش معمار) مهم نیست و هر متن (طرح) گستره‌ای از معنا را پیش روی مخاطب قرار می‌دهد. پس خوانش نشانه‌شناسانه همان کشف زبان متن است. زبان متن به صورت چند لایه باعث ایجاد چندگانگی معنا خواهد شد که بستگی مستقیم با زاویه دید مخاطب، جایگاه اجتماعی و موقعیت زمانی وی دارد؛ عناصری که همیشه در حال تغییرند و همین عناصر متغیر، معناسازی را شکل می‌دهند.



نمودار ۲- فرآیند شکل‌گیری معنا

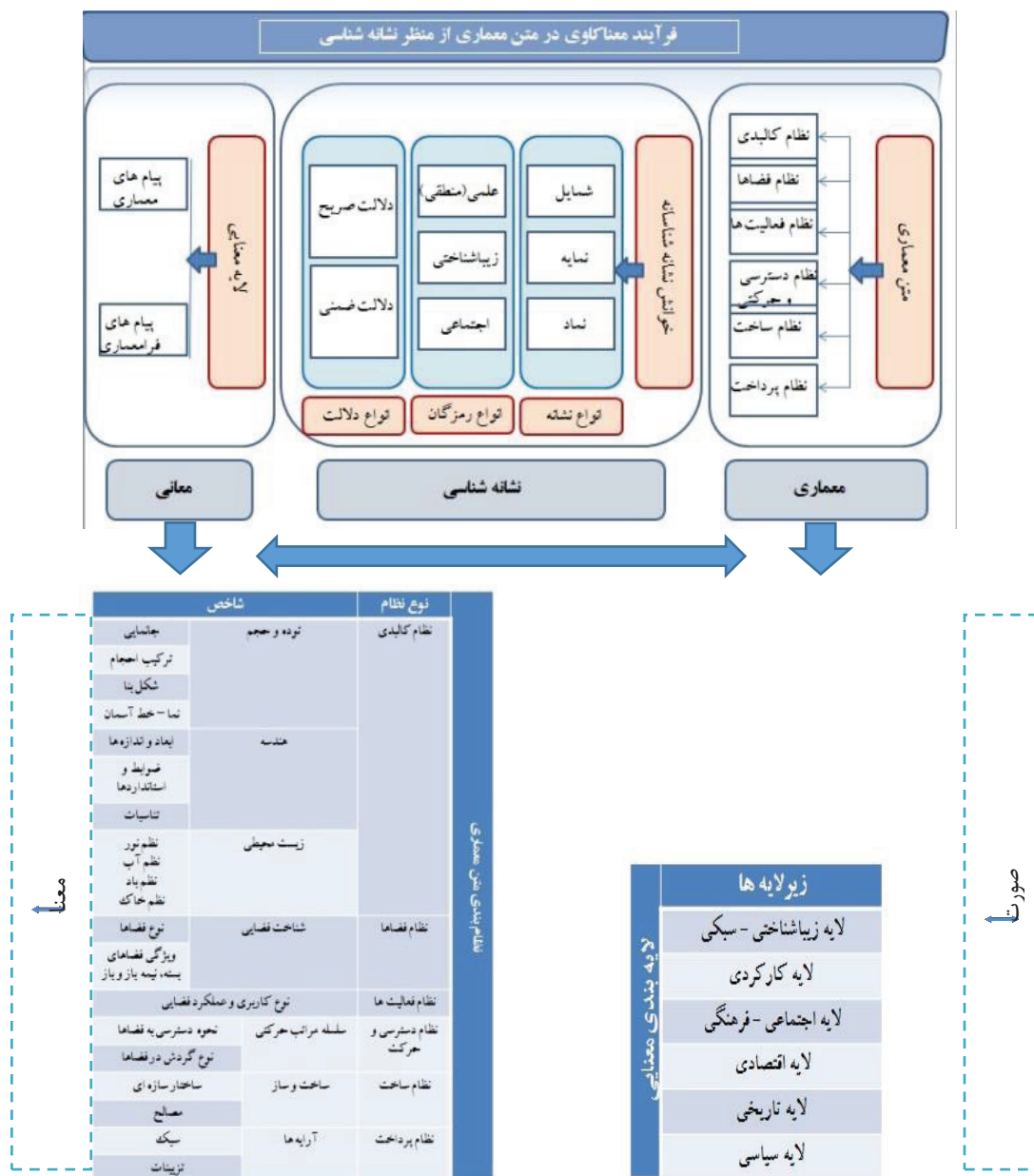
به طور کلی در تبیین نشانه‌شناسی معماری موارد ذیل مطرح است:

- معماری به منظور انتقال فعالیت‌های کارکردی و ارتباطی بر رمزگان خود استوار است.
 - رمزگان معماری امکانات عملیاتی نسبتاً محدودی را معین می‌کنند و براساس پیام‌های از قبل تولید شده شکل گرفته‌اند.
 - معماری براساس رمزگان، مفهومی را که از آن انتظار می‌رود خلق می‌نماید.
 - معماری به سمت نوآوری و محتواگرایی حرکت کرده و لزوماً در راستای انتظارات ایدئولوژی جامعه پیش نمی‌رود.
 - معماری حتی اگر در راستای تولید زبانی نو گام بردارد باز هم بر رمزگان از پیش تعیین شده، حرکت می‌نماید.
 - در معماری سه دسته سیستم با یکدیگر گره می‌خورند: ۱- دسته سیستم مبتنی بر مقتضیات اجتماعی، ۲- دسته سیستم مبتنی بر مقتضیات کارکردی، ۳- دسته سیستم مبتنی بر فرم معماری و مسائل پیرامون آن
- دسته اول رویکردی فرامعماری داشته و پیرامون مسائل جامعه‌شناسی، فرهنگ، انسان‌شناسی، لایه ارتباطی معماری را تشکیل داده‌اند. دو سیستم دیگر از جنس معماری و فضای آن می‌باشند. معناسازی معماری از برهم‌کنش این سه حادث می‌شود.



شکل ۱- شناخت متن معماری، نشانه‌شناسی روشی برای معناسازی متن

با توجه به مطالب گفته شده بنابراین متن معماری نیز دارای لایه‌های متعددی می‌باشد که از آن پیام‌های استنباط می‌گردد و در نهایت به رمزگان منتهی می‌شود. لایه‌های متن معماری را می‌توان در دو دسته کلی، لایه‌های معماری و لایه‌های فرامعماری تقسیم بندی کرد که لایه‌های معماری به ساختار، فرم و حجم، رابطه فضایی، سیرکلاسیون و در نهایت پیکره بندی معماری می‌پردازد که از آنها پیام‌های کالبدی دریافت می‌گردد و لایه‌های فرامعماری به مباحث فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پرداخته می‌شود که از آنها پیام‌های فرامعماری استنباط می‌گردد. هر کدام از این پیام‌ها در قالب رمزگانی ارائه می‌شوند و مخاطب به دنبال رمزگشایی این پیام هاست تا بتواند متن معماری را قرائت کرده و برای آن معنا بسازد. در قسمت رمزگشایی نیز پیام‌های کالبدی به رمزگان انتزاعی معماری و پیام‌های فرامعماری به رمزگان ضمنی منتهی می‌شود.



شکل ۲- فرآیند معناکاوی متن معماری از منظر نشانه‌شناسی

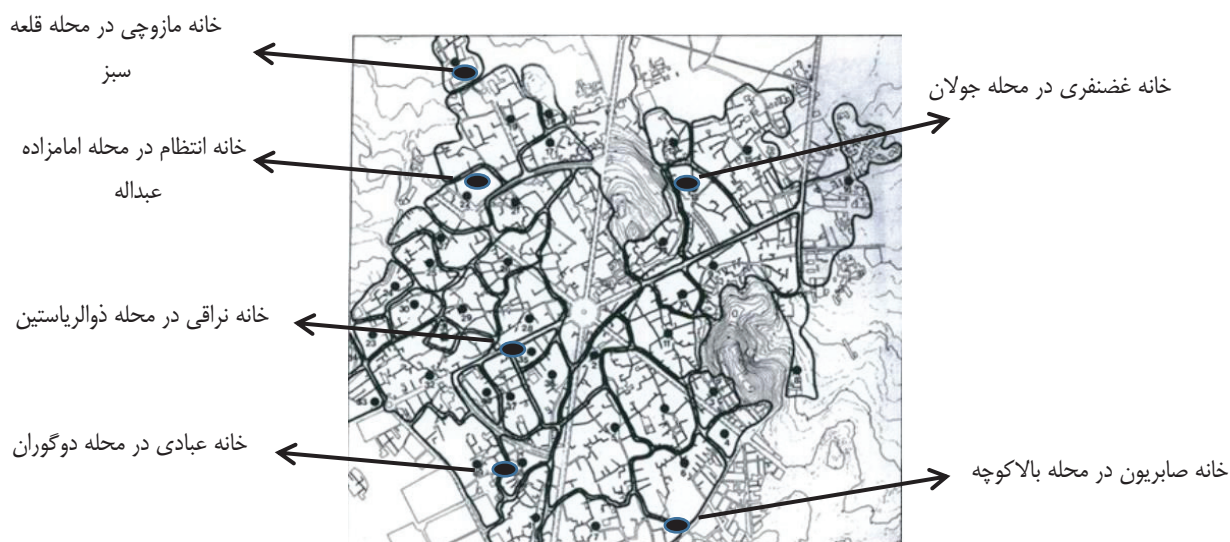
بازنمود اندیشه‌های نشانه‌شناسی در واکاوی متن معماری، هر متن به حامل پیام و یا مجموعه‌ای از رمزگان‌ها بوده که به وسیله روابط دلالتی و روابط درون متنی به مخاطب انتقال داده می‌شوند. مخاطب نیز با توجه به شبکه شکل دهنده متن، لایه‌ها، روابط درون متنی و از طریق قراردادهای

اجتماعی و فرهنگی و برداشت‌های ذهنی خود، به دریافت و رمزگشایی و معنا سازی برای متن، همت می‌گمارد. نشانه‌های طرح از طریق رمزگان فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، زیبایی شناختی و ... در طرح معماری جای دارند. با توجه به چرخه تفسیر در فرآیند نشاندگی، نقش نشاندگی و نظام نشاندگی، متن معماری دارای چندین نظام نشاندگی می‌باشد که به صورت روابط همنشینی و همزمانی با یکدیگر، متن لایه گون معماری را شکل می‌دهند. این نظام‌ها به وسیله روابط دلالتی و روابط درون متنی، پیام‌ها و مجموعه‌ای رمزگان خود را به مخاطب انتقال می‌دهند. دلالت‌ها هم به عنوان شیوه اتصال بین صورت و معنا نمود پیدا می‌کنند و نقش ارتباطی بین آنها می‌باشند. در نهایت با جمع بندی مطالب ارائه شده و بررسی آنها، به یک مدل ارزیابی در جهت خوانش متن معماری از منظر نشانه‌شناسی به دست می‌آید که به عنوان فرآیند معناکاوای در متن معماری مطرح می‌شود که عبارتند از:

خانه به مثابه یک کالبد معماری حاوی ایده‌ها و ارزشهاست آنچه در لحظه آفرینش در آن گنجانده شده باشد از سطوح و دیوارهای آن تشعشع کرده و به کسانی که در آن قرار می‌گیرند انتقال می‌یابند، این پیامها مستمر در ضمیر ناخودآگاه وضعیتی خطیر ایجاد می‌کنند در فضای رفتارها، بازتابها الگوی های زندگی شکل می‌گیرد و به مثابه برداری موثر بر زندگی اجتماعی عمل می‌کند. خانه نیز به عنوان یک متن از لایه‌های متعددی تشکیل شده است که هریک نمود عینی و متنی یک نظام رمزگان هستند و هر لایه متنی با لایه‌های متنی دیگر رابطه دارد. لایه‌های متنی خانه در تعامل با یکدیگر و در تاثیر متقابلی که از هم می‌پذیرند، به عنوان متن و عینیت ناشی از یک نظام دلالتگر تحقق می‌یابند و تفسیر می‌شوند.

انتخاب و معرفی نمونه خانه‌ها

همدان به عنوان یکی از کهن ترین پایتخت‌های ایران، از قدمت چند هزارساله‌ای برخوردار است اما آثار باقیمانده در آن از دوره ی قاجار و پس از آن است. در این میان بیشتر این آثار خانه‌ها هستند. در بررسی گونه شناسی خانه های شهری همدان براساس بازه زمانی مطرح شده از نگاه کالبدی، خانه ها به سه گونه متمایز تقسیم بندی می‌شود که عبارتند از گونه درون گرای قاجاری، گونه التقاطی و گونه برون گرای پهلوی که در خصوص نحوه استقرار بنا در هرگونه به دسته ی یک طرفه، دو طرفه، L شکل، U شکل و چهار طرفه تقسیم بندی می‌شوند(زارعی و همکاران، ۱۳۹۷). در نمونه‌های انتخاب شده در این پژوهش سعی شده است که نمونه‌ها براساس عنوان پژوهش از نظر دوره زمانی ساخت، (دوره قاجاری و پهلوی) و همچنین به جهت دسته‌بندی نحوه استقرار بنا انتخاب گردد. با توجه به مطالب گفته شده نمونه خانه‌های انتخابی عبارتند از خانه‌های غضنفری، انتظام و نراقی که مربوط به دوره زمانی قاجاریه و خانه های عبادی، مازوچی و صابریون که مربوط به دوره زمانی پهلوی می‌باشند.



شکل ۳- موقعیت خانه های انتخابی در محله های شهر همدان در سال ۱۳۳۵ (منبع: کندلیس، ۱۹۷۳)

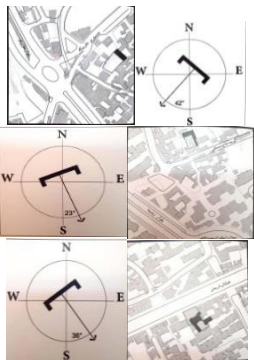
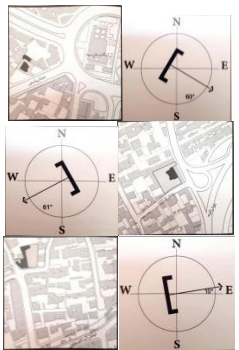
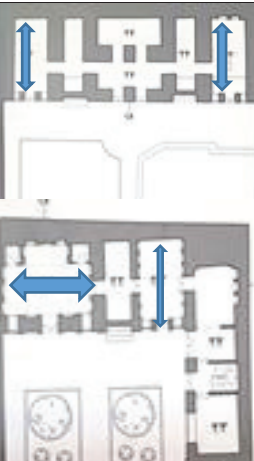
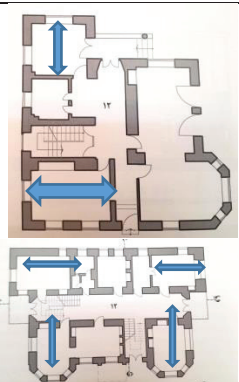
واکاوای نمونه خانه‌ها

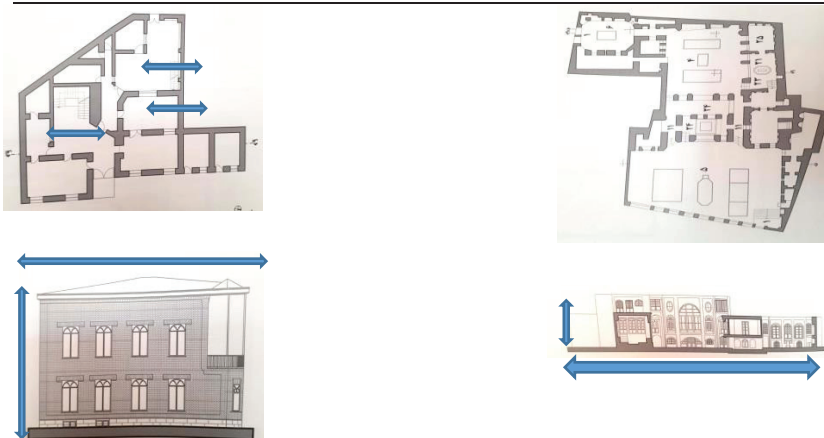
از آنجا که درک معانی فضاها و کشف رمزگان به کار رفته در آن نیاز به شناخت جامعه ای دارد که محیط ساخته شده در آن تجلی یافته است، با بررسی نشانه ها در نمونه های مورد مطالعه و جامعه آماری بررسی شده می‌توان به معنای آن نشانه ها دست یافت. لذا بر پایه شکل ۱ حاصل از مبانی نظری بررسی شده، با توجه به رویکرد نشانه‌شناسی در معماری در دو لایه معماری و فرامعماری، مسیر شناخت متن معماری به صورت مطالعه

کتابخانه‌ای، با توجه به اسناد موجود و تحقیقات انجام شده (که به هریک از موارد به تفصیل در کتب و مقالات مختلف پرداخت شده) بررسی گردید، سپس با جمع‌بندی مطالب ارائه شده و بررسی آنها، به یک مدل ارزیابی در جهت خوانش متن معماری از منظر نشانه‌شناسی به دست آمد که به عنوان فرآیند معناکاو در متن معماری مطرح شد که در شکل ۲ نمایش داده شده است و براین اساس نمونه‌های انتخاب شده و با توجه به بازدیدهای میدانی، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. ابتدا در جدول شماره ۴ نمونه‌های انتخابی در دو دوره قاجاریه و پهلوی براساس تقسیم‌بندی نظام‌های معماری و زیر شاخص‌های هر قسمت مورد بررسی قرار گرفت سپس از نتایج بررسی‌های حاصل شده از جدول شماره ۴ در جدول شماره ۵ لایه‌های معنایی هر دو دوره مورد بررسی و نسبت به یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفته شده است.

در جدول شماره ۴ براساس نظام‌های معماری که در ۶ نظام اصلی تقسیم‌بندی می‌شود که عبارتند از ۱- نظام کالبدی که شاخص‌های آن به حجم و کالبد بنا از جمله استقرار و جانمایی، تناسب و اندازه و زیست توده می‌پردازد. ۲- نظام فضایی که شاخص‌های آن به شناخت فضاها، نوع و ویژگی فضاها می‌پردازد. ۳- نظام فعالیت که شاخص‌های آن به عرصه بندی و عملکرد فضاها می‌پردازد. ۴- نظام دسترسی که شاخص‌های آن به حرکت، گردش و سیرکلاسیون حرکتی در فضاها و همچنین نوع ارتباط فضاها با هم می‌پردازد. ۵- نظام ساخت که شاخص‌های آن به ساخت و ساز، سازه بنا و مصالح ساختمانی می‌پردازد. ۶- نظام پرداخت که شاخص‌های آن به آرایه‌ها که شامل سبک و تزئینات در بنا می‌باشد می‌پردازد، نمونه‌ها در دو دوره قاجار و پهلوی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

جدول ۴- واکاوی نمونه خانه‌ها

نظام معنایی	شاخص	تصاویر نمونه انتخابی (خانه‌های دوره قاجار)	شاخص	تصاویر نمونه انتخابی (خانه‌های دوره پهلوی)
نظام کالبدی	توده و حجم: -استقرار و جانمایی (خانه غضنفری در محله جولان) قرار گرفته است. جهت گیری به سمت جنوب با ۴۲ درجه چرخش به سمت غرب)		توده و حجم: -استقرار و جانمایی (خانه مازوچی در محله قلعه سبزی) قرار گرفته است. جهت گیری به سمت جنوب با ۶۱ درجه به سمت غرب)	
	نظام کالبدی		نظام کالبدی	
		هندسه - (تناسبات ابعاد و اندازه نما)	هندسه - (تناسبات ابعاد و اندازه نما)	



- زیست محیطی
(نظم نور
نظم خاک
نظم آب
نظم باد
نظم گیاه)

- زیست محیطی
(نظم نور
نظم خاک
نظم آب
نظم باد
نظم گیاه)

مطالعات محیطی هفت حصار شماره چهل و چهارم / سال دوازدهم / تابستان ۱۴۰۲

۱	پیشخان / سردر
۲	دهشتی / کرباس
۳	دهلیز / دالان
۴	حیاط اندرونی
۵	حیاط بیرونی
۶	حیاط خدمه
۷	حیاط خلوت
۸	ایوان
۹	مهنایی
۱۰	بالکن
۱۱	تختگاه
۱۲	هال (فضای تقسیم)

۱	پیشخان / سردر
۲	دهشتی / کرباس
۳	دهلیز / دالان
۴	حیاط اندرونی
۵	حیاط بیرونی
۶	حیاط خدمه
۷	حیاط خلوت
۸	ایوان
۹	مهنایی
۱۰	بالکن
۱۱	تختگاه
۱۲	هال (فضای تقسیم)



- ویژگی‌های فضایی
(ویژگی‌های فضای بسته، باز
و نیمه باز
سازماندهی بین فضاهای
بسته و باز)



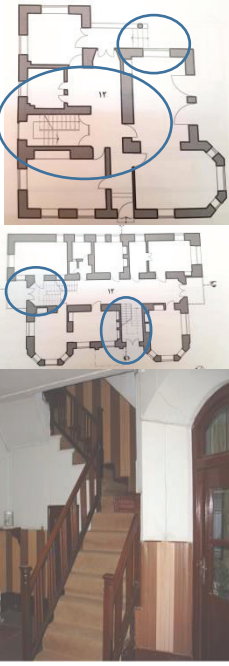
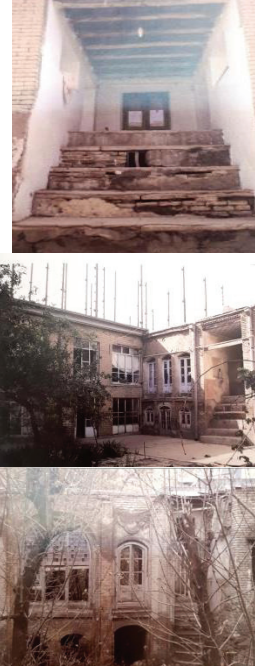
- ویژگی‌های فضایی
(ویژگی‌های فضای بسته، باز و
نیمه باز
سازماندهی بین فضاهای بسته و
باز)

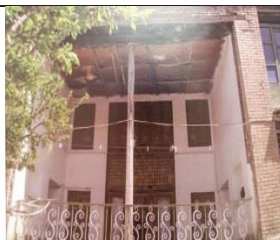
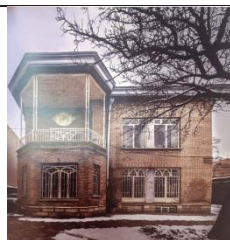
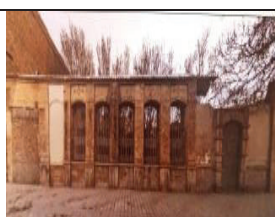


نوع کاربری:
- عرصه بندی
(تفکیک فضاها براساس
اصلی و فرعی بودن
تابستان نشین بودن و
زمستان نشین بودن)



نوع کاربری:
- عرصه بندی
(تفکیک فضاها براساس اصلی و
فرعی بودن
تابستان نشین بودن و
زمستان نشین بودن)

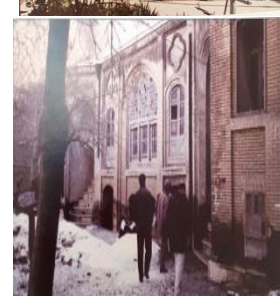
	- عملکرد فضاها (جانمایی عملکردهای مسکونی در طبقه اول جانمایی عملکردهای خدماتی در طبقه همکف)		- عملکرد فضاها (جانمایی عملکردهای مسکونی در طبقه اول جانمایی عملکردهای خدماتی در طبقه همکف)
	حرکت فضایی: - دسترسی ها و ارتباطات فضایی (مفصل های حرکتی)		حرکت فضایی: - دسترسی ها و ارتباطات فضایی (مفصل های حرکتی) نظام دسترسی
	- گردش فضایی (سیرکلاسیون حرکتی از فضای باز (حیاط) به نیمه باز (ایوان) و در نهایت بسته حرکت از برون به درون)		- گردش فضایی (سیرکلاسیون حرکتی از فضای باز (حیاط) به نیمه باز (ایوان) و در نهایت بسته حرکت از برون به درون (اندرونی و بیرونی)



ساخت و ساز:
- ساختار سازه ای
(استفاده از دیوارهای ضخیم
- سازه فلزی برای احداث
بناها
استفاده از طاق و قوس در
جهت استحکام سقف)

ساخت و ساز:
- ساختار سازه ای
(استفاده از دیوارهای ضخیم برای
احداث بناها
سقف‌های ضخیم چند لایه چوبی
و کاهگلی
استفاده از طاق و قوس در جهت
استحکام سقف)

نظام ساخت



- مصالح
(آجر، کاهگل و سنگ مصالح
اصلی بناها)

- مصالح
(آجر، کاهگل و سنگ مصالح
اصلی بناها)

	آرایه ها: - سبک (برون گرایی دوره پهلوی و بنا بصورت کوشک و حیاط در اطراف ساختمان)		آرایه ها: - سبک (درون گرایی معماری دوره قاجار حیاط به عنوان مرکز ساختمان و بنا در اطراف آن)
	- تزیینات (توجه به پوشش و رویه کار)		- تزیینات (توجه به پوشش و رویه کار)

نظام
پرداخت

در جدول شماره ۵ براساس نتایج حاصل شده از جدول شماره ۴ به خوانش و معنای بناهای انتخابی با روش نشانه‌شناسی لایه‌ای که از زیر لایه‌های که عبارتند از لایه کارکردی، لایه زیبایی‌شناختی، لایه اجتماعی و لایه اقتصادی تشکیل شده است به بررسی و خوانش معنا پرداخته شده است و در نهایت مقایسه معنایی بین خانه‌های دو دوره قاجاریه و پهلوی نمایش داده شده است.

جدول ۵- بررسی و مقایسه خوانش و معنای خانه‌های معرفی شده دو دوره قاجار و پهلوی

لایه‌های معنایی	شاخص	خوانش و دلالت معنایی خانه					
		دوره قاجار			دوره پهلوی		
کارکردی	کارکرد بنا	خانه غضنفری	خانه انتظام	خانه نراقی	خانه عبادی	خانه مازوچی	خانه صابریون
		فضایی برای اسکان، استراحت و دورهم بودن	فضایی برای اسکان، استراحت و دورهم بودن	فضایی برای اسکان، استراحت و دورهم بودن	فضایی برای اسکان براساس کاربری‌ها	فضایی برای اسکان براساس کاربری‌ها	فضایی برای اسکان براساس کاربری‌ها
	اجزا	کارکرد سنتی (هماهنگ+روابط متعادل اجزاء)	کارکرد سنتی (هماهنگ+روابط متعادل اجزاء)	کارکرد سنتی (هماهنگ+روابط متعادل اجزاء)	کارکرد ترکیبی (عدم هماهنگی و تقابل فضایی نامناسب)	کارکرد ترکیبی (عدم هماهنگی و تقابل فضایی نامناسب)	کارکرد ترکیبی (عدم هماهنگی و تقابل فضایی نامناسب)
		سنتی	سنتی	سنتی	ترکیب سنت و مدرن	ترکیب سنت و مدرن	ترکیب سنت و مدرن
زیباشناختی	حجم	سنتی	سنتی	سنتی	ترکیب سنت و مدرن	ترکیب سنت و مدرن	ترکیب سنت و مدرن

لایه‌های معنایی	شاخص	خوانش و دلالت معنایی خانه					
		دوره قاجار			دوره پهلوی		
		خانه غضنفری	خانه انتظام	خانه نراقی	خانه عبادی	خانه مازوچی	خانه صابریون
زیباشناختی	فرم	ساختار سنتی و تاریخگرا (منظم حیاط دار)	ساختار سنتی و تاریخگرا (منظم حیاط دار)	ساختار سنتی و تاریخگرا (منظم حیاط دار)	ساختار ترکیبی و تاثیر معماری غربی	ساختار ترکیبی و تاثیر معماری غربی	ساختار ترکیبی و تاثیر معماری غربی
	فضا	ساختار سنتی و تاریخگرا	ساختار سنتی و تاریخگرا	ساختار سنتی و تاریخگرا	ساختار ترکیبی و تاثیر معماری غربی	ساختار ترکیبی و تاثیر معماری غربی	ساختار ترکیبی و تاثیر معماری غربی
	تناسبات	سنتی و تاریخی (هندسی و همخوان با نیازهای انسانی)	سنتی و تاریخی (هندسی و همخوان با نیازهای انسانی)	سنتی و تاریخی (هندسی و همخوان با نیازهای انسانی)	ترکیبی (سنتی و مدرن)	ترکیبی (سنتی و مدرن)	ترکیبی (سنتی و مدرن)
	روح مکان	سنتی و تاریخی	سنتی و تاریخی	سنتی و تاریخی	ترکیبی (سنتی و مدرن)	ترکیبی (سنتی و مدرن)	ترکیبی (سنتی و مدرن)
اجتماعی	آرایه ها	آرایه های کهن واجد زبان زمانی	آرایه های کهن واجد زبان زمانی	آرایه های کهن واجد زبان زمانی	آرایه های ترکیبی از آرایه های کهن و با فرهنگ غرب	آرایه های ترکیبی از آرایه های کهن و	آرایه های ترکیبی از آرایه های کهن و
	رابطه با بافت	رابطه هماهنگ بیان سنتی یا یافت سنتی	رابطه هماهنگ بیان سنتی یا یافت سنتی	رابطه هماهنگ بیان سنتی یا یافت سنتی	عدم هماهنگی و تجانس با بافت	عدم هماهنگی و تجانس با بافت	عدم هماهنگی و تجانس با بافت
	روابط درون فرهنگی	توجه به قراردادهای اجتماعی-مذهبی	توجه به قراردادهای اجتماعی-مذهبی	توجه به قراردادهای اجتماعی-مذهبی	توجه به فرهنگ معماری غربی	توجه به فرهنگ معماری غربی	توجه به فرهنگ معماری غربی
	کثرت اندیشه ها	تاکید بر اندیشه غالب در طراحی خانه	تاکید بر اندیشه غالب در طراحی خانه	تاکید بر اندیشه غالب در طراحی خانه	عدم توجه به اندیشه غالب در طراحی خانه	عدم توجه به اندیشه غالب در طراحی خانه	عدم توجه به اندیشه غالب در طراحی خانه
اقتصادی	زیست محیطی	سازگار	سازگار	سازگار	کمترین سازگاری	کمترین سازگاری	کمترین سازگاری
	اقلیم و بوم	توجه به عناصر بومی و کهن الگوهای ایرانی	توجه به عناصر بومی و کهن الگوهای ایرانی	توجه به عناصر بومی و کهن الگوهای ایرانی	کمترین توجه به عناصر بومی	کمترین توجه به عناصر بومی	کمترین توجه به عناصر بومی
	هزینه‌های اجرایی	مطلوب	مطلوب	مطلوب	نیمه مطلوب	نیمه مطلوب	نیمه مطلوب
	سیستم با رویکرد مصالح با رویکرد اقتصادی	مناسب (استفاده از مصالح بومی)	مناسب (استفاده از مصالح بومی)	مناسب (استفاده از مصالح بومی)	کمترین تناسب (استفاده از مصالح جدید)	کمترین تناسب (استفاده از مصالح جدید)	کمترین تناسب (استفاده از مصالح جدید)
	هزینه نگهداری	مناسب	مناسب	مناسب	هزینه بر	هزینه بر	هزینه بر

بحث و نتیجه گیری

هر طرح معماری شبکه‌ای از نشانه‌هاست که به طور مجرد واجد معنای خاصی نیستند و فقط در بافتار شبکه گون متن دلالت‌گری خود را نشان می‌دهد. طرح معماری از شناخت، تفسیر، تاویل و معناسازی منتج می‌شود که نیازمند روش یا دانشی هست که در قالب نشانه‌شناسی جای می‌گیرد و شامل مراحل شناختن رمز عناصر (شبکه متن) و شناختن روابط عناصر (درون متن) و تاویل معنای متن می‌باشد. هر متن یک نظام و شبکه دلالتی را به روی مخاطب می‌گشاید. هر کدام از اجزای این شبکه وسیع به عضوی دیگر اشاره دارند. هر جزء، یک نشانه است که مخاطب را به بازخوانی و بازتولید متن دعوت می‌کند. بنای معماری مشابه یک متن قابل خوانش است و خواندن متن در واقع تاویل نشانه‌های آن توسط یک کاربر فضای معماری می‌باشد. بنابراین معماری هم نوعی زبان است؛ نظامی است از واژه‌های وابسته به هم. اثر معماری شبیه به متن نگارشی و خوانشی است از کلمه‌ها، احجام، بافت‌ها و اجزای تشکیل دهنده بنا که دارای وابستگی معنایی به هم می‌باشند.

هر متن از لایه‌های متعدد و هم‌نشین با یکدیگر تشکیل شده، که می‌توان آنها را در دو دسته کلی انگاشت: لایه‌های معماری و لایه‌های فرامعماری. از لایه‌های معماری (ساختار، ارتباطات فضایی، ترکیب احجام، پیکره بندی معماری)، پیام‌های کالبدی دریافت می‌گردد. از لایه‌های فرامعماری (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی)، پیام‌های فرامعماری (موضوعیت پروژه، مکان پروژه، زمان پروژه) استنباط می‌گردد. هر کدام از این پیام‌ها در قالب رمزگانی ارائه می‌شوند و مخاطب به دنبال رمزگشایی این پیام‌هاست تا بتواند متن معماری را قرائت کرده و برای آن معنا بسازد. هر کدام از این لایه‌ها حامل پیامی جهت بازگویی خویش بوده و در پس خود رمزگانی را برای مخاطب ارائه می‌دهد. هر اثر معماری با رمزگان‌های زیباشناختی به همراه رمزگان‌های اجتماعی پیام خود را انتقال می‌دهند. معنا در قالب نشانه، مصالح، رنگ، شکل، اندازه، اثاث، محوطه و نظایر آن مجسم می‌شود. تمام این عناصر نشانه‌اند و در بستر ساختار متنی فضای معماری در ارتباط با یکدیگر معناسازی می‌کنند. این همان فرآیند دلالت است. نشانه‌شناسی با درک و دریافت پدیده‌های جهان، از طریق خوانش و قرائت نشانه‌های موجود در پدیده‌ها حاصل می‌شود و برپایه روابط دلالتی برای پدیده‌های اجتماعی به آفرینش و تولید معنا می‌پردازد.

کاربرد علم نشانه‌ها به لایه‌هایی فراتر از نشانه‌های ملموس و محسوس، توجه به دلالت‌های ضمنی و کشف ساحت غیابی متن برمی‌گردد. با مبانی نشانه‌شناسی، امکان رسیدن به مدلی تحلیلی از نشانه‌شناسی معماری برای شناخت، ارزیابی و تحلیل معماری وجود دارد؛ مدلی که زمینه دریافت معنا و مفهوم اینگونه معماری را فراهم کند. در این پژوهش، خانه سنتی شهری را با رویکرد معناشناسی بررسی و معنا را در کیفیت‌های مورد توجه، در قالب رویکرد نشانه‌شناسی به عنوان یکی از رویکردهای معناشناسی بررسی کرده است. خانه‌های دوره قاجاریه و پهلوی دارای ساختار و بناهایی هستند که در چندین لایه و سطح با مخاطب ارتباط برقرار می‌کنند. در این خانه‌ها، شاهد مهارت خاصی در استفاده از عناصر معماری و رمزگان‌ها هستیم تا علاوه بر کارکرد ابتدایی در چند سطح؛ رمزگان‌های اجتماعی - فرهنگی، کارکردی، زیبایی شناختی و معنایی با فرهنگ مردمی که در آنها سکنی داشته‌اند و در سطح کلاتر با اجتماع، در هماهنگی تمام می‌باشند.

در این پژوهش نتایج مبتنی بر تحلیل‌ها در دو سطح بوده است. نخست تحلیل‌ها مبتنی بر دلالت‌های معنایی براساس تقسیم‌بندی نظام‌های معماری بناها، دوم تحلیل‌ها مبتنی بر خوانش معنایی با نگاه نشانه‌شناسی لایه‌ای بوده است. نتایج حاصل از این تحلیل‌ها نشان دهنده آن است که خانه‌های دوره قاجاریه در همدان از زبان واحدی که بر معماری خانه‌های ایرانی حاکم است تبعیت می‌کنند. همانند آنها درون‌گرا هستند و حیاط را پاس داشته‌اند و از آن به مثابه قلب خانه برای سازمان‌دهی و ارتباط بخشی بین اجزای بنا و به منزله نظرگاهی یادآور بهشت موعود بهره گرفته‌اند. از هندسه پنهانی برای نظام بخشیدن به معماری بهره گرفته‌اند. در این خانه‌ها ارتباط حداکثری با طبیعت یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های خانه می‌باشد. اما در خانه‌های دوره پهلوی با نفوذ تفکرات و رویکردها و گرایش‌های معماری غربی، تغییراتی در بنای خانه‌ها صورت گرفته است ولی این تغییرات در حد محدود بوده است و سعی شده است که قالب سنتی بناها حفظ گردد.

منابع

- آقالطیفی، آ.، کلیائی، و. (۱۳۹۷). *خانه‌های تاریخی سنج، خوانش کالبد از دریچه ی فرهنگ زیست، نشریه صفا، شماره ۲۸، صص ۱۳۱-۱۱۱.*

- احمدی، ب. (۱۳۸۶). ساختار و تأویل متن، نشر مرکز، تهران، چاپ اول.
- امیرسرداری، ی.، فروتن، م.، معظمی، م.، محمدی، م. (۱۳۹۸). برج مسکونی در قاب سینما؛ واکاوی نشانه‌شناختی ساختمان‌های بلند مسکونی در سینمای بعد از انقلاب اسلامی ایران، نشریه علمی - پژوهشی باغ نظر، ش ۷۴، صص ۳۰-۱۷.
- پناهی، س.، رحیمی، ر. (۱۳۹۸). بررسی نحوه آفرینش فضای معماری با تأکید بر مفهوم نشانه‌شناسی و بینامتنیت نمونه موردی موزه یهود برلین، دانیل لیبسکیند، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی مهندسی عمران، معماری و بازآفرینی شهری، تهران.
- حائری، م. (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ، طبیعت: بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر به منظور تدوین فرآیندها و معیارهای طراحی خانه، مرکز تحقیقات مسکن و شهرسازی، وزارت راه و شهرسازی، تهران.
- چندلر، د. (۱۳۸۶). مبانی نشانه‌شناسی، (مهدی پارسا، مترجم). تهران: انتشارات سوره.
- حبیب، ف. (۱۳۸۵). کدو کاوی در معنای شکل شهر، نشریه علمی - پژوهشی هنرهای زیبا، ش ۲۵، صص ۱۴-۵.
- حجت، م. (۱۳۸۷). درس‌هایی از معماری سنتی ایران، مجموعه گفتارهای اولین و دومین هم‌اندیشی مباحث معماری، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- دباغ، ا. م. و مختاباد امرایی، م. (۱۳۸۹). تأویل معماری پست مدرن از منظر نشانه‌شناسی، نشریه علمی - پژوهشی هویت شهر، ش ۹، صص ۷۲-۵۹.
- راپاپورت، آ. (۱۳۸۸). انسان‌شناسی مسکن، (ترجمه خسرو افضلیان). تهران: انتشارات کسری، چاپ دوم.
- زارعی، م. ا.، حاتمی مجد، ف.، محمدیان منصور، ص. (۱۳۹۷). خانه‌های قدیمی همدان، انتشارات نشر طلایی، چاپ اول.
- سجودی، ف. (۱۳۸۸). نشانه‌شناسی کاربردی، مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر، تهران: فرهنگستان هنر.
- سجودی، ف. (۱۳۸۸). نشانه‌شناسی: نظریه و عمل، تهران: انتشارات علم.
- سرمستانی، م.، فروتن، م.، طهوری، ن. (۱۳۹۷). آفرینش شاعرانه در فضای شهری: واکاوی نشانه‌شناختی فضای شهری باغ بلند شیراز، نشریه علمی - پژوهشی هویت شهر، ش ۳۴، صص ۷۸-۶۷.
- شولتز، ک. ن. (۱۳۸۷). معنا در معماری غرب، (ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی). نشر فرهنگستان هنر.
- شولتز، ک. ن. (۱۳۸۸). مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی، (ترجمه محمود امیر یار احمدی). نشر آگه، تهران.
- غفاری، ع. (۱۳۹۳). تحلیل ساختار شکل در معماری ایران، از رویکرد نشانه‌شناختی معماری (مطالعه موردی: بازارهای ایران)، رساله دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران.
- قلیچ خانی، ب. (۱۳۹۱). رویکردی تحلیلی به سیر تحول خانه‌ی ایرانی در عهد قاجار، رساله دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران.
- کوپر مارکوس، ک. (۱۳۸۲). خانه نمادی از خویشتن، (ترجمه احمد علیقیان). فصلنامه فرهنگستان هنر، تهران.
- کندلیس، ماندالا. مهندسین مشاور. (۱۹۷۳). نقشه‌های قدیمی شهر همدان، همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- لنگ، ج. (۱۳۸۶). آفرینش نظریه معماری، (ترجمه علیرضا عینی فر). انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- محمدی، م. (۱۳۹۰). بررسی فرم شهر از منظر نشانه‌شناسی لایه‌ای، مجموعه مقالات نشانه‌شناسی مکان به کوشش دکتر فرهاد ساسانی، تهران: نشر سخن.
- معاریان، غ. (۱۳۸۷). معماری ایرانی، تهران: انتشارات سروش دانش.
- نجومیان، ا. (۱۳۸۷). تحلیل نشانه‌شناختی خانه‌های تاریخی کاشان، نشریه نامه معماری و شهرسازی، سال یکم، شماره ۱، صص ۱۱۱.
- Danesi, Marcel. (2007). *The Quest for Meaning: A Guide to Semiotic Theory and Practice*, Toronto, University of Toronto Press.
- Eco, U. (1995). *The search for the perfect language*. Blackwell, Oxford, Fontana Press, London.
- Jencks, C. (1977). *The languages of postmodern Architecture*, Academy Edition, London.
- Peirce, CS. (1998). *Pragmatic 7 Pragmatism in Baldwin*, JM, Dictionary of Philosophy & Psychology, Vol II, New York.

- Rappaport, A. R.E. Kantor .(1985). *Complexity and Ambiguity in Environmental Design*, in American Institute of Planners Journal.
- Rappaport, A. (1982). *House Form and Culture*, Englewood Cliffs 1969.
- Rappaport, A.(1973). *Australian Aborigines and the Definition of Place in P.Oliver(ed)*, Shelter, Sign and Symbol. London.

Comparative study of the meaning of the urban house of the two periods of Qajar and Pahlavi of Hamadan by the method of layered semiotics

Mohammad Reza Afshari Basir, Ph.D. Candidate, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

Manoucheher Foroutan*, Professor. Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

Mohammad Mehdi Soroush, Professor. Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

Received: 2022/8/10

Accepted: 2023/11/10

Extended abstract

Introduction: In recent decades, the concepts and ideas of human sciences have been closely related to art and architecture; So that this relationship has led to the production of new forms, spaces and readings of architecture. This relationship occurs both as a common chapter between architecture and human sciences. On the other hand, with the importance of finding language in postmodern theories, architecture has been seen as a text. A text that conveys a set of values, thoughts and traditions along with it and has a language behind its curtain that talks to the audience and the audience tries to read its meaning and interpretation. Semiotics, as one of the methods of text analysis, seeks to analyze texts in terms of structured wholes and focus on the system of rules that govern the discourses involved in texts and emphasizes the role of semiotic context in the formation of meaning. Each and every detail in traditional Iranian houses had its meaning and concept for users, which has made it valuable.

Methodology: This study examines the meaning of home from the perspective of social sciences that pays more attention to the cultural and social aspects of the home. In this approach, one of its methods is the semiotic method. Semiotics in the field of architecture is the acquisition and recognition of meanings beyond the functional implication of architecture, and attention is paid to the communicative nature of architecture, which is rooted in social-cultural relations. The foundations of semiotic knowledge, which is based on meaning and interpretation, can be a platform for understanding the relationship between how the semantic and structural components of the architectural space are perceived. Since semiotics is related to the basics of deciphering meanings, the role of the interpreter is important in understanding these concepts.

Results: This study is to investigate the effective components in creating meaning in a traditional urban house and to develop a conceptual model for proper reading of the text of the house by layered semiotics so that its layers are identified and the objective appearance of the signals network is determined in an interactive context.

Conclusion: The research shows that the house is a text that consists of several layers of meaning and systems involved in creating a work of support and create a systematic whole called the house

Keywords: Meaning, semiotics, traditional houses, Iranian architecture, Hamadan city

* Corresponding Author's E-mail: manoucheher.foroutan@gmail.com